



امام جماعت مسجد الهادی قم

شهید آیت الله حسین غفاری در دوران کودکی پدرش را از دست داد به همین دلیل هم زمان با تحصیل کار می کرد. ایشان بارها توسط ماموران رژیم ظالم سیتیم شاهی دستگیر شدند، از جمله ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، هنگامی که از سخنرانی برگشته بود، ماموران به خانه اش حمله کرده و او را دستگیر و در زندان مورد بازجویی و شکنجه قرار دادند. وی در زندان ۸ ساعت مطالعه می کرد و ۴ ساعت نهج البلاغه، قرآن، فقه و تاریخ به زندانیان درس می داد.

آخرین دیدار در زندان:

سر و صورتش به شدت مضروب شده بود. وقتی سرش را بلند کرد تا خانواده اش را ببیند اولین کلمه ای که گفت این بود: این آخرین ملاقات من با شماست. خانواده او گریستند و او نیز گریه کرد. خانواده اش گفتند گریه نکن. او گفت نمی خواهم گریه کنم ولی بدنم خیلی درد می کند، بدنم را خرد کرده اند

وی سرانجام در زندان بر اثر شکنجه و فشارهای وارده در تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۵۳ به شهادت رسید. اداره ساواک مجبور شد جنازه او را شبانه به قم بفرستند تا مخفیانه دفن شود.

امام خمینی درباره آیت الله غفاری می فرمایند:

[آیا] زجر ما این است که ما را حبس کردند یا زندان بردند؟؟ یا زجر این است که پای بعضی از علماء را از راه کردند. آقا! توی روغن سوزاندند! زجر ما این است که ۱۰ سال، ۱۵ سال، علمای ما در حبس هستند.

امید که ادامه دهنده راهشان باشیم...